



نقطه قوت برتر خود را بشناسید

(استعدادیاب کلیفتون)

ویرایش دوم

مجموعه ۳۴ نقطه قوت فردی، اجتماعی و سازمانی
با تقسیم بندی کاربردی و جامع گالوپ

نویسنده:

تام راث

مترجمان:

امیر کامگار
مهتاب بیات ریزی

فهرست مطالب

۱۳	بخش اول: مقدمه: توانمندی های خود را بیابید.....
۳۹	بخش دوم: از توانمندی های خود استفاده کنید.....
۴۳	دست یابنده.....
۵۱	فعال ساز.....
۵۷	سازگار.....
۶۳	تحلیل گر.....
۷۱	هماهنگ کننده.....
۷۷	معتقد.....
۸۳	فرمانده.....
۸۹	ارتباطی.....
۹۷	رقابت جو.....
۱۰۳	هم پیوند.....
۱۰۹	عادل.....
۱۱۵	گذشته نگر.....
۱۲۱	محتاط.....
۱۲۷	پرورش دهنده.....
۱۳۳	منضبط.....
۱۳۹	همدل.....

۱۴۵.....	متمرکز.....
۱۵۱.....	آینده‌نگر.....
۱۵۷.....	همساز.....
۱۶۳.....	ایده پرداز.....
۱۶۹.....	دربرگیرنده.....
۱۷۵.....	فردگرا.....
۱۸۱.....	درونداد.....
۱۸۷.....	متفکر.....
۱۹۳.....	یادگیرنده.....
۱۹۹.....	بیشینه‌ساز.....
۲۰۵.....	مثبت‌نگر.....
۲۱۱.....	محبوب.....
۲۱۷.....	مسوولیت‌پذیر.....
۲۲۵.....	حلال مشکلات.....
۲۳۱.....	معتمد به نفس.....
۲۳۷.....	ارجمند.....
۲۴۳.....	راهبردی.....
۲۴۹.....	جذاب.....

پیمودن سخت‌ترین راه!

هدف اکثریت قریب به اتفاق برنامه‌های آموزشی این است که به ما در تبدیل شدن به کسی که نیستیم یا نمی‌توانیم باشیم کمک کنند. اگر به صورت ذاتی دارای توانایی درک ریاضی نیستید باز هم مجبور می‌شوید زمان خود را صرف گرفتن یک مدرک در زمینه ریاضیات یا کسب نمره خوب در این درس نمایید. اگر چندان همدل نباشید به یک دوره آموزشی فرستاده می‌شوید که هدف آن القاء همدلی به شخصیت شماست. از گهواره تا گور بیشتر از آن که زمان خود را برای کشف نقاط قوت خود صرف کنیم آن را برای رفع نقاط ضعف و کاستی‌هایمان صرف می‌کنیم.

این مسئله در خلق اسطوره‌های فراوان از افرادی که موفق شده‌اند بر نقص عضو یا عدم استعداد ذاتی خود برای انجام کاری فائق آیند بسیار آشکار است. به داستان واقعی رودی روتیگر^۱ -- متصدی ۲۳ ساله زمین ورزش استادیوم نوتردام -- توجه کنید:

او قهرمان داستان یکی از فیلم‌های سینمایی سال ۱۹۹۳ به نام «رودی» بود. واضح بود که این مرد جوان با قد ۱۶۷

1. Rudy Ruettiger

سانتی‌متر و وزن ۷۵ کیلوگرم توان بدنی کافی برای موفقیت در بازی فوتبال دانشکده را نداشت. البته رودی بسیار شجاع بود و به خاطر پذیرفته شدن برای انجام بازی فوتبال در استادیوم نوتردام به صورت خستگی‌ناپذیری تلاش نمود. بالاخره بعد از سه شکست متوالی در استادیوم پذیرفته شد و به فاصله زمانی خیلی کم در گروه تمرین تیم جایگاهی را به دست آورد.

در طول ۲ سال رودی تمرینات روزانه بسیار سختی را پشت سر گذاشت، اما هرگز به وی اجازه ملحق شدن به تیم در کنار زمین داده نشد. بعد از آنکه در طول دو فصل با بیشترین توان خود تلاش کرد، سرانجام برای پوشیدن لباس تیم و شرکت در بازی فینال در آخرین سال دبیرستان دعوت شد. در لحظات پایانی این بازی و زمانی که تیم نوتردام با رسیدن به پیروزی فاصله‌ای نداشت، هم تیمی‌های رودی با اعمال نفوذ بر مربی خود خواستار آن شدند که رودی را به بازی بفرستد. در ثانیه‌های پایانی، مربی رودی را برای بازی به زمین فرستاد و او بازیکن هافبک تیم مقابل را تکل کرد.

لحظات هیجان‌انگیزی بود و رودی به قهرمانی آنی تبدیل شد. هواداران نام رودی را فریاد می‌زدند و او را با دستان خود بر روی سرشان از زمین خارج کردند. روتیگر بعدها به کاخ سفید دعوت شد و با رئیس جمهور و مقامات کاخ سفید و جو مونتانا^۱ که از اسطوره‌های فوتبال بود ملاقات کرد. هر چند پشتکار رودی قابل تحسین است، اما او بعد از هزاران ساعت

1. Joe Montana

تمرین فقط در ثانیه‌های پایانی بازی کرد و توانست یک تکل ساده انجام دهد.

ماهیت الهام‌بخش این داستان در عمل مسئله مهمی را بیان می‌کند: تسلط و فائق آمدن بر نقاط ضعف به یکی از بخش‌های مهم ساختار فرهنگی ما تبدیل شده است. کتاب‌ها، فیلم‌های سینمایی و فولکلور ما پر از داستان‌های افراد بازنده‌ای است که از میان میلیون‌ها مشکل به طور اتفاقی بر یکی از آنها غلبه می‌کنند. این موضوع به جای آنکه ما را به سمت تحسین آن دسته افرادی که بر توانایی‌های ذاتی خود سرمایه‌گذاری کرده‌اند هدایت کند، ما را به ستودن افرادی که به برخی از نقاط ضعف طبیعی خود چیره شده‌اند رهنمون می‌سازد. در نتیجه، میلیون‌ها نفر این قهرمانان را به عنوان مظاهری از رویاها و الگوهای ملی در نظر می‌گیرند و چشم‌انداز خود را به سمت غلبه بر چالش‌های بزرگ تنظیم می‌کنند. متأسفانه این کار «پیمودن سخت‌ترین راه برای موفقیت است».

یک ضرب‌المثل گمراه کننده

یک ضرب‌المثل نادرست می‌گوید «اگر به اندازه کافی تلاش کنید، می‌توانید به هر کسی که می‌خواهید تبدیل شوید». من هم مانند بسیاری از مردم در دوران جوانی این ضرب‌المثل را باور داشتم. مانند هزاران کودک دیگر، بخش عمده‌ای از دوران کودکی من با سعی و تلاش برای اینکه به یک «مایکل